

حدود صلاحیت کمیسیون رفع تداخلات موضوع ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر؛

تحلیل رای وحدت رویه شماره ۸۰۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور (مورخ
۱۳۹۸/۰۹/۲۶)

سیده فرانک حسینی سروستانی^۱

چکیده:

ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر یک تبصره به ماده ۹ قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی الحاق و وزارت جهاد کشاورزی را با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف به رفع تداخلات ناشی از اجرای قوانین و مقررات موازی در اراضی ملی، دولتی و مستثنیات اشخاص نموده تا پس از رفع موارد اختلافی نسبت به اصلاح اسناد مالکیت و صدور اسناد کشاورزی اقدام نماید و به موجب ماده ۳ آیین نامه اجرایی تبصره (۳) الحاقی ماده (۹) قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی موضوع ماده (۵۴) قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور کمیسیون رفع تداخلات در سطح استان تشکیل گردید. ماده ۹ قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی نیز مشعر بر تکلیف وزارت خانه نامبرده بر تثبیت مالکیت دولت و اخذ اسناد مالکیت به نام دولت بر منابع ملی و اراضی موات و دولتی و با رعایت حریم روستاها و همراه با رفع تداخلات ناشی از اجرای مقررات موازی حداکثر تا پایان برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی است. هرچند موارد اشاره شده در تعیین حدود صلاحیت کمیسیون مذکور صراحت داشته اند مع الوصف تكثر قوانین و ضوابط حاکم بر اراضی دولتی موجب شده است تا در رابطه با حیطه صلاحیت کمیسیون مذکور تردیدهایی به وجود آید. نمونه ای از این تردیدها در اختلاف نظر شعب دیوان عالی کشور در صلاحیت کمیسیون به ورود در دعوی خلع ید از اراضی ملی منعکس است که النهایه منتهی به رای هیأت عمومی دیوان عالی کشور دایر بر تایید رای شده که ماهیتاً توسعه صلاحیت کمیسیون مورد اشاره را رد کرده است.

کلیدواژه ها: خلع ید، اراضی ملی، قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر، صلاحیت.

۱- گزارش پرونده

الف) حسب سوابق پرونده مربوط به رأی شماره ۹۸۰۱۱۰ شعبه هجدهم دیوان عالی کشور، در پی طرح دعوای اداره منابع طبیعی و آب خیزداری زنجان به طرفیت آقایان محمد ... و خیرالله ... به خواسته خلع ید از اراضی ملی، دادگاه عمومی بزینه‌رود به صدور رأی به محکومیت خواندگان به خلع ید صادر کرده است که با تجدیدنظرخواهی آقای خیرالله ... پرونده به شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان زنجان ارجاع و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. شعبه مذکور پس از رسیدگی بر مبنای احتمال بررسی موضوع در کمیسیون رفع تداخلات موضوع ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر مرکز استان زنجان و با استناد به مواد ۳۵۳ و ۲۸ قانون آیین دادرسی در امور مدنی ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته، به عدم صلاحیت به شایستگی کمیسیون مذکور قرار صادر و اعلام داشته است و پرونده را در اجرای ماده ۲۸ قانون اخیرالذکر به دیوان عالی کشور ارسال دارد. در نهایت شعبه هجدهم دیوان عالی کشور به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۱۱۰ با این استدلال که موضوع خواسته، خلع ید بر اساس سند مالکیت رسمی و منصرف از موضوع ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر است، ضمن عدم تأیید قرار صادر شده از سوی شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان زنجان پرونده را به منظور ادامه رسیدگی به شعبه مذکور ارسال می‌کند.

ب) حسب سوابق پرونده مربوط به رأی شماره ۹۸۰۸۷۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۸ شعبه سی و هفتم دیوان عالی کشور، پس از طرح دعوای اداره منابع طبیعی طارم به طرفیت آقای مختار ... و دیگران به خواسته خلع ید و قلع و قمع مستحدثات اراضی ملی، شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان زنجان به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۴۸ - ۱۳۹۸/۰۱/۲۵ ضمن نقض رأی دادگاه عمومی طارم و نفی صلاحیت خود، رسیدگی به موضوع خواسته را در صلاحیت کمیسیون رفع تداخلات (مستقر در مرکز استان) دانسته است و پرونده را در اجرای ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی در امور مدنی به دیوان عالی کشور ارسال می‌دارد. شعبه سی و هفتم نیز پس از رسیدگی، اعلام عدم صلاحیت دادگاه تجدیدنظر استان زنجان به اعتبار صلاحیت کمیسیون رفع تداخلات موضوع ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و آیین‌نامه اجرایی آن به شرح منعکس در رأی اخیر الذکر را با عنایت به موضوع خواسته و تاریخ تقدیم دادخواست و نامه اداره کشاورزی شهرستان

طارم صائب تشخیص داده و مستنداً به ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی به تأیید قرار موصوف مبادرت می‌کند.

علی ای حال با عنایت به حدوث اختلاف در استنباط از قانون و تشتت آراء صادر شده از شعب هجدهم و سی و هفتم دیوان عالی کشور در خصوص صلاحیت رسیدگی به دعاوی خلع ید از اراضی ملی به لحاظ استنباط متفاوت از ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (تبصره الحاقی به ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی) و مقررات مربوطه، طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی، درخواست می‌شود و منتهی به صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۰۱-۱۳۹۹/۷/۲۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر عدم وجاهت صدور قرار عدم صلاحیت به شایستگی کمیسیون رفع تداخلات مقرر در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ الحاقی به ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی موضوع ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴ در خصوص دعاوی خلع ید از اراضی ملی به شرح بین الہلالین می‌شود: (صلاحیت کمیسیون رفع تداخلات مقرر در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ الحاقی به ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی موضوع ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴ محدود به موارد مصرّح و منصرف از دعاوی خلع ید است. بنابراین و با عنایت به ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ موجب قانونی برای صدور قرار عدم صلاحیت در خصوص این دعوی از سوی دادگاه عمومی به شایستگی کمیسیون یادشده وجود ندارد. بر این اساس، رأی شعبه هجدهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء، صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.)

۲- نقد و بررسی مبانی رای:

۲-۱- مبانی صلاحیت مراجع غیر قضایی (شبه قضایی) دادرسی

در عصر حاضر گرایشی جهانی پدید آمده است برای ارجاع شمار فزاینده‌ای از اختلافات که به طور سنتی در دسته بندی ماهیتا مدنی قرار دارند از دادگاهها به بدنه‌های غیر قضایی^۱ مانند نمایندگیهای اداری^۲، دادگاههای اختصاصی^۳، داوری اجباری^۴ یا داوری دولتی^۵.^۶ رشد مراجع قضایی اداری یکی از نخستین و شاید عیان ترین نمودهای گرایشی کلی است که به سوی بدنه‌های غیر قضایی پدیدار شده است. دو ره یافت مجزا از یکدیگر درباره توسعه مراجع قضایی اداره در نظامهای حقوقی بزرگ اتفاق افتاده است یکی در خانواده سوسیالیست و کامن لا و دیگری خانواده حقوق مدنی به ویژه آلمان، ایتالیا و نظام حقوقی ژاپن. اما آنچه در هر دو نظام ارجاع اختلافات به نهادهای غیر قضایی را محدود می‌سازد تضمین مبتنی بر قانون اساسی است که در عمده کشورهای مورد اشاره و نظامهای مذکور مبتنی بر عدم حق برای محدودسازی دسترسی آزاد شهروندان به نظام قضایی است که نهاد عالم و صالح برای رسیدگی تخصصی به دعاوی عام است.

به موجب اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، محاکم دادگستری مرجع عام رسیدگی به شکایات و تظلمات مردم قلمداد می‌شوند. در کنار این مراجع عام شاهد استقرار محاکم اختصاصی با صلاحیت ذاتی رسیدگی به پاره‌ای از دعاوی هستیم که از این جمله می‌توان به محاکم نظامی و انتظامی و دیوان عدالت اداری اشاره کرد. به رغم بحثها و مقالات بسیاری که در رابطه با مراجع شبه قضایی در میان حقوق دانان وجود داشته، در حال حاضر تعریف دقیق و جامعی از مراجع مذکور وجود ندارد. به طور کلی و در تعریفی مختصر می‌توان گفت مراجع شبه

1. Non-Judicial Bodies

2. On administrative agencies in the UNITED STATES see generally Jaffe; Davis , Administrative Law Treatise I (St.Paul, Minn.1958) ; see also Stewart.

3. On special tribunals in the UNITED KINGDOM see generally Wade 776-828; Street ; Varano 3 II-324.

4. Compulsory Arbitrators

5. State Arbitrators

۶. مورو کاپلتنی - برایان جی گارث، برگردان محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی مجلد نخست، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۸

قضایی یا غیر قضایی مراجع اختصاصی هستند که بنا به صلاح دید قانون گذار و به موجب قوانین خاص، خارج از محاکم دادگستری و تشکیلات قوه قضائیه تشکیل می‌شوند و صلاحیت آنها محدود به موارد مصرح و محوله بموجب قوانین خاص می‌است. بنابراین در موارد تردید در صلاحیت موردی مراجع موصوف می‌باید به اصل رجوع کرد و با تفسیر مضیق حکم به عدم صلاحیت اضافی آنها صادر کرد.

گذشته از این معنا تمیز مراجع قضایی از شبه قضایی و تحدید موضوعات مورد صلاحیت هریک از آنها به روشنی می‌تواند مرزهای صلاحیت، عملکرد و در نهایت لزوم تأسیس مراجع شبه قضایی را آشکار سازد. اصطلاح مراجع قضایی ابتدا در حقوق انگلیس و به منظور توجیه نظارت دادگاههای عالی بر آراء نهادهای اداری مطرح شده است. به این معنی که چون تصمیمات نهادهای اداری گاهی برای مراجع قضایی ایجاد حق و تکلیف می‌کنند از آنها به عنوان مراجع شبه قضایی یاد می‌شود. از سوی دیگر صلاحیت این سازمانها چنان به وسواس به وسیله قانون تعیین و تحدید می‌شود که اگر از حدود تعیینی تخطی کنند تصمیمات متخذة توسط آنها قابل ابطال در دادگاههای عمومی است. کنترل قضایی نهادهای اداری حول محور نظریه تجاوز از جایگاه قانونی^۲ و معادل سو استفاده از اختیار^۳ در حقوق فرانسه است و دادگاه می‌تواند درباره وجود قلمرو یک اختیار و صلاحیت تصمیم بگیرد که آیا نهاد اداری در گستره اختیار خود عمل کرده است یا خارج از آن؟ و بر این اساس، دادگاه می‌تواند قانون را تفسیر و گستره قدرت را تعیین کند.^۴

۲-۲ حیطه صلاحیت کمیسیون رفع تداخلات مقرر در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره

۳ الحاقی به ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی موضوع ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴:

به موجب نص صریح ماده ۵۴ "قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور"، یک

1. QUASI JUDICIAL

2. ULTRA-VIRE

3. EXCES DE POUVOIR

4. J.A.JOLOWIEZ. 36 ETS:1992;BRADLY,803:1999

تبصره به ماده ۹ "قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی" اضافه شد که در آن، وزارت جهاد کشاورزی مکلف شد تا با همکاری "سازمان ثبت اسناد و املاک کشور" نسبت به رفع تداخلات ناشی از اجرای قوانین و مقررات موازی در اراضی ملی، دولتی و مستثنیات اشخاص اقدام و پس از رفع موارد اختلافی نسبت به اصلاح اسناد مالکیت و صدور اسناد اراضی کشاورزی اقدام کند. پس از ابلاغ قانون مذکور، آیین‌نامه اجرایی این ماده به استناد تبصره ۳ الحاقی ماده ۹ "قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، به تصویب هیأت وزیران رسید. در اجرای ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ الحاقی ماده ۹ "قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی" شیوه‌نامه اجرایی رفع تداخلات ناشی از قوانین و مقررات موازی مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ برای اجرا ابلاغ شد که متعاقباً به لحاظ ابهامات متکثر اجرایی، اصلاحیه آن در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۳۰ مصوب و ابلاغ شد. به طور موجز و مختصر و در مقام جمع مفاد ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید و ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری صلاحیت کمیسیون موضوع موارد معنون را می‌توان در مراتب ذیل احصاء کرد:

- رفع تداخلات ناشی از اجرای قوانین و مقررات موازی در اراضی ملی، دولتی و مستثنیات اشخاص و تثبیت مالکیت دولت بر منابع ملی و اراضی موات و دولتی، با رعایت حریم روستاها با تهیه حدنگاری (کاداستر) و نقشه‌های مورد نیاز

- اصلاح اسناد مالکیت و صدور اسناد کشاورزی پس از رفع موارد اختلافی
به موجب ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده مزبور انواع تداخلات ممکن الوقوع و مشمول ماده ۵۴ عبارتند از:

۱. تداخل در اجرای مقررات ملی شدن و مقررات اصلاحات ارضی.
 ۲. تداخل در اجرای مقررات اراضی موات، اراضی مستحدثه و مقررات اصلاحات ارضی.
 ۳. تداخل در اجرای مقررات ملی شدن و مقررات اراضی خالصه و بایر مرحله اول اصلاحات ارضی و موات.
 ۴. تداخل در اجرای مقررات کشت موقت و مقررات ملی شدن.
 ۵. تداخل اراضی موات، اراضی مستحدثه و مقررات ملی شدن
- در این باب همان‌طور که در نص صریح ماده ۵۴ به روشنی بیان شده رفع تداخلات ناشی از

اجرای قوانین و مقررات موازی در اراضی ملی، دولتی و مستثنیات اشخاص بر عهده کمیسیون مذکور است. بر این مبنا تداخلات مدنظر مقنن زمانی قابلیت وقوع دارد که اجرای مقررات بر اراضی موضوع قانون صورت پذیرفته باشد، و تداخل و تعارض مرزی بروز پیدا کرده باشد تا ثبوتاً صلاحیت کمیسیون در عالم واقع ایجاد شود. بنابراین رابطه تشخیص نوعیت و ایجاد صلاحیت برای کمیسیون بلحاظ زمانی رابطه‌ای طولی است و نمی‌باید از عبارت "تثبیت مالکیت دولت" در ادامه ماده این‌گونه برداشت شود که کمیسیون مبحث عنه صلاحیت تشخیصی دارد. فلذا روشن است که کمیسیون متشکله حق ورود به اظهار نظر در مورد نوعیت اراضی موضوع موارد مورد اشاره را نداشته است و صرفاً مجاز به رفع تداخلات مرزی و هم‌پوشانی محدوده اراضی دولتی با نوعیتهای مختلف از طریق اجرای قانون‌حدنگار و تثبیت عرصه بر مختصات utm باشد. هرچند به لحاظ اجرایی چون برخی از موارد رفع تداخلات مرزی در عمل ممکن است منتهی به کاهش مساحت اراضی ملی و دولتی شود بروز اختلافاتی در نوعیت اراضی اختلافی به طور غیر مستقیم دور از ذهن نخواهد بود اما حتی در صورت تحقق چنین فرضی به هیچ روی نمی‌توان کمیسیون مذکور را صالح به ورود و اظهار نظر در رابطه با نوعیت دانست. بر همین مبنا و به طریق اولی اعطای هرگونه صلاحیت اضافی به کمیسیون مذکور فاقد وجاهت است. فلذا رای صادر شده از سوی هیأت عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر این که صلاحیت کمیسیون رفع تداخلات محدود به موارد مصرّح و منصرف از دعوای خلع ید است صحیح و منطبق بر موازین اصولی و قانونی به نظر می‌رسد.

۳-۲- معایب و توالی فساد توسعه صلاحیت کمیسیون مبحث عنه به صدور حکم

خلع ید

- ۳-۲-۱ توسعه عملی صلاحیت کمیسیون بر خلاف اصول حقوقی است.
- ۳-۲-۲ توسعه عملی صلاحیت کمیسیون بر خلاف مصوبات و مسلمات قانونی است.
- ۳-۲-۳ توسعه عملی صلاحیت کمیسیون در تعارض آشکار با اصل صلاحیت عام محاکم دادگستری و بعضاً موجب موازی کاری در رسیدگی به این‌گونه دعوای است.
- ۳-۲-۴ دعوای خلع ید و رفع تصرف مستلزم رسیدگی قضایی با استفاده تام و تمام از کلیه ابزارهای دادرسی و همچنین در مرحله اجرا نیازمند قوه قاهره اجرایی محاکم است حال آن که

موضوع صلاحیت کمیسیون مباحث عنه ناظر بر رفع تعارضات ناشی از بروز اشتباه در جانمایی اراضی است نه رسیدگی ترافیعی به اختلافات اشخاص. به عبارت دیگر حکم خلع ید در نتیجه بررسیهای دقیق در باب مالکیت خواهان و سایر موازین و پیش شرطهای صدور چنین حکمی است حال آنکه صلاحیت قانونی کمیسیون مباحث عنه صرفاً محدود به موضوع محوله است و این صلاحیت مشعر بر تایید صلاحیت وی برای کسوت قضاوت نخواهد بود. در نتیجه چنانچه قایل به تجویز اعطای صلاحیت اضافی به کمیسیون مذکور باشیم اسباب و لوازم رسیدگی به سایر دعاوی و اختلافات ارجاع شده به کمیسیونهای غیر قضایی را باید مجاز بدانیم که این امر تداخل وظایف و نقض قواعد آمره دادرسی را موجب خواهد شد.

نتیجه

با عنایت به مراتب که متضمن شرح مختصر مبانی و ضوابط کمیسیون رفع تداخلات مقرر در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ الحاقی به ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی موضوع ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴ است می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که همان‌گونه که در بند الف ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی معنون نیز مصرح است، غرض از تصویب ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، احیاء و تثبیت مالکیت دولت و رفع تداخلات اراضی ناشی از اجرای مقررات موازی است و این موضوع منصرف از اختلافات منشعب از اعمال مالکیت افراد و دولت و یا تصرفات غاصبانه نسبت به اراضی دولتی خواهد بود که منتهی به طرح دعاوی با خواسته می‌شود. به عبارت دیگر رفع تداخلات به نحوی متضمن تقدم زمانی بر بروز اختلافاتی است که رفع و حل و فصل آنها مستلزم طرح دعاوی خلع ید باشد. ضمن آن‌که نه تنها حیطه صلاحیت کمیسیون مبحوث عنه در ماده ۵۴ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر مصرح و روشن است بلکه هیچ نصی در نفی صلاحیت محاکم حقوقی در رسیدگی به چنین دعاوی وجود ندارد. در نتیجه رای شماره ۸۰۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیحاً صادر شده و فاقد ایراد قانونی به نظر می‌رسد.

منابع

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، سیستم شناسی در علم حقوق، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ سی و ششم، انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۱.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، محشی قانون مدنی، چاپ چهارم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱.
۴. محسنی، حسن، دیوان عالی کشور و حقوق محیط زیست ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۰.
۵. محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فرانسه براساس آخرین تغییرات تا سال ۲۰۲۲، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۴۰۱.
۶. مورو کاپلتی - برایان جی گارث، برگردان محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی مجلد نخست، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۸.
۷. امامی، محمد و نصرالله موسوی، مبانی نظری مراجع شعبه قضایی و جایگاه آنها در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۰، شماره ۱۲.
۸. جعفری ندوشن، علی اکبر و امید شیرزاد، ساختار و صلاحیت مراجع شبه قضایی حقوق آب ایران، فصلنامه حقوق اداری (علمی پژوهشی)، سال ششم، شماره ۱۸.

The limits of the jurisdiction of the Commission on Removal of Interference Related to Article 54 of the Law on Removal of Obstacles to Competitive Production;

Analysis of Binding Precedent Decision No. 801, Rendered by the General Board of the Supreme Court (December 17, 2019)

Seyede Faranak Hoseini Sarvastani^۱

Abstract

Adding to a Note to Article 9 of the Law on Increasing the Productivity of Agricultural and Natural Resources, Article 54 of the Law on Removal of Obstacles to Competitive Production obliges the Ministry of Agricultural Jihad, in cooperation with the Organization of Registrations of Deeds and Real Estate to remove the interference caused by the implementation of parallel laws and regulations in national and state lands and lands that are granted to individuals as exceptions so that after resolving the dispute it will amend the land title deeds and issuance of deeds with agricultural land use and pursuant to Article 3 of the Bylaw of Note 3, Added to Article (9) of the Law on Increasing the Productivity of Agricultural and Natural Resources Sector, mentioned in Article (54) of the Law on Removal of Obstacles to Competitive Production and Improvement of the National Financial System, Commission on Removal of Interference was established at the provincial level. Article 9 of the Law on Increasing the Productivity of the Agricultural and Natural Resources Sector also refers to the duty of the mentioned ministry to stabilize the ownership of the government and obtain land title deeds in the name of the government regarding national resources, wastelands and state lands, in compliance with riparian zone of the villages and removal of interference caused by implementation of parallel regulations until the end of the Fifth Five-year Economic Development Plan. Although the cases mentioned in determining the jurisdiction of the said commission have been clear, the multiple laws and regulations governing state lands have raised doubts in regard to the scope of the said commission's jurisdiction. An example of these doubts is reflected in the disagreement of the branches of the Supreme Court regarding the jurisdiction of the commission to deal with the case of eviction of national lands, which ultimately led to the decision of the General Board of the Supreme Court, based on the approval of a judgment that substantially rejects expansion jurisdiction of the abovementioned commission.

Keywords: *eviction, national lands, the Law on Removal of Obstacles to Competitive Production, Jurisdiction.*

۱. Doctoral student university of tehran. (Email:Hoseini_fa@ut.ac.ir)